

راهنمای تصحیح سؤالات امتحان نهایی درس: فلسفه و منطق	رشته: ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی
سال سوم آموزش متوسطه سالی - واحدی (۲۰ نمره ای)	تاریخ امتحان: ۱۳۸۳/۰۳/۱۰
دانش آموزان و داوطلبان آزاد شهر تهران در نوبت خردادماه سال ۱۳۸۳	سازمان آموزش و پرورش شهر تهران کارشناسی سنجش و ارزشیابی تحصیلی متوسطه

ردیف	راهنمای تصحیح	نمره												
۱	منطق الف) غلط است. کانت، لایب نیتس موافق منطق ارسطویی هستند. (و یا جمله را به صورت منفی بیان کند.) (۰/۲۵) ب) صحیح است (۰/۲۵) ج) مسئول بودن انسان همان تصور نسبت حکمیه است. (۰/۲۵) د) غلط است، تصدیق بدیهی است. (۰/۲۵) ه) صحیح است، تصور هستی یک تصور بدیهی است. (۰/۲۵) (صرف نوشتن «غلط است» نمره ای ندارد.)	۱/۲۵												
۲	الف) دلالت طبعی (۰/۲۵) ب) لاله الله یک لفظ مرکب تام خبری است. (۰/۲۵) مسجد جامع تهران لفظ مرکب ناقص تقییدی است. (۰/۲۵) ج) کمترین مصداق متعلق به مفهوم مربع است. (۰/۲۵) و بیشترین مصداق مربوط به شکل است. (۰/۲۵) د) مانند مولود کعبه (۰/۲۵) (یا مثل درست دیگر) ه) نسبت عموم، خصوص من وجه است (۰/۲۵) زیرا از آنها چهار قضیه جزئی ساخته می شود. (۰/۲۵)	۲												
۳	الف) جنس (۰/۲۵) ب) فصل (۰/۲۵) ج) عرض عام (۰/۲۵)	۰/۷۵												
۴	توضیح آن (۰/۲۵) ذکر مثال آن (۰/۵) (اگر توضیح در ضمن مثال درست بیان شده باشد (۰/۷۵) نمره کامل داده شود.)	۰/۷۵												
۵	الف) قضیه شخصی (یا قضیه جمعی) (۰/۲۵) ب) قضیه شرطی متصل (۰/۲۵)	۰/۵												
۶	<table border="1" style="width: 100%; border-collapse: collapse;"> <thead> <tr> <th>اصل قضیه</th> <th>عکس قضیه</th> <th>نقیض قضیه</th> <th>متضاد قضیه</th> </tr> </thead> <tbody> <tr> <td>هیچ الف ب نیست</td> <td>هیچ ب الف نیست (۰/۲۵)</td> <td>بعضی الف ب است (۰/۲۵)</td> <td>هر الف ب است (۰/۲۵)</td> </tr> <tr> <td>بعضی مسلمانان اروپایی هستند</td> <td>بعضی اروپایی مسلمانان هستند (۰/۲۵)</td> <td>هیچ مسلمانانی اروپایی نیست. (۰/۲۵)</td> <td>ندارد (۰/۲۵)</td> </tr> </tbody> </table>	اصل قضیه	عکس قضیه	نقیض قضیه	متضاد قضیه	هیچ الف ب نیست	هیچ ب الف نیست (۰/۲۵)	بعضی الف ب است (۰/۲۵)	هر الف ب است (۰/۲۵)	بعضی مسلمانان اروپایی هستند	بعضی اروپایی مسلمانان هستند (۰/۲۵)	هیچ مسلمانانی اروپایی نیست. (۰/۲۵)	ندارد (۰/۲۵)	۱/۵
اصل قضیه	عکس قضیه	نقیض قضیه	متضاد قضیه											
هیچ الف ب نیست	هیچ ب الف نیست (۰/۲۵)	بعضی الف ب است (۰/۲۵)	هر الف ب است (۰/۲۵)											
بعضی مسلمانان اروپایی هستند	بعضی اروپایی مسلمانان هستند (۰/۲۵)	هیچ مسلمانانی اروپایی نیست. (۰/۲۵)	ندارد (۰/۲۵)											
۷	الف) قیاس استثنایی منفصل حقیقیه (۰/۲۵) نتیجه ی آن، پس این عدد زوج است. (۰/۲۵) ب) قیاس استثنایی متصل وضع مقدم (۰/۲۵) پس ج درست است. (۰/۲۵)	۱												
۸	الف) شکل سوم (۰/۲۵) منتج است زیرا شرایط شکل سوم را دارد. (۰/۲۵) نتیجه ی آن، بعضی حجت قیاس نیست. (۰/۲۵) ب) شکل اول است (۰/۲۵) معتبر نیست. (۰/۲۵) زیرا یکی از شرایط شکل اول موجه بودن صغری است را دارا نیست. (۰/۲۵)	۱/۵												
۹	طرح مثال صحیح برای عیب در ماده (۰/۲۵)	۰/۲۵												
۱۰	الف) وهمیات (۰/۲۵) ب) اولیات یا بدیهیات یا ضروریات (۰/۲۵)	۰/۵												
۱۱	الف) در فن برهان به کار می رود. (۰/۲۵) ب) در فن سفسطه به کار می رود. (۰/۲۵)	۰/۵												
۱۲	الف) اهمال در شرایط قیاس (۰/۲۵) ب) تحلیل نادرست پدیده ها (۰/۲۵)	۰/۵												
۱۳	فلسفه: دو مورد از موارد زیر که هر قسمت (۰/۲۵) می باشد. (واقعیت داشتن جهان، قابل شناختن طبیعت، درستی روش تجربه و آزمایش، یکسان عمل کردن طبیعت، تبعیت همه موجودات از اصل علیت)	۰/۵												
ادامه در صفحه دوم														

راهنمای تصحیح سؤالات امتحان نهایی درس: فلسفه و منطق		رشته: ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی
سال سوم آموزش متوسطه سالی - واحدی (۲۰ نمره ای)		تاریخ امتحان: ۱۳۸۳/۰۳/۱۰
دانش آموزان و داوطلبان آزاد شهر تهران در نوبت خردادماه سال ۱۳۸۳		سازمان آموزش و پرورش شهر تهران کارشناسی سنجش و ارزشیابی تحصیلی متوسطه
۱۴	یکی از مسائل مهم در علم سیاست این است که حکومت بر مردم حق چه کسانی است و مردم باید از چه کسی یا چه کسانی اطاعت کنند؟ پاسخ به این سؤالات وقتی ممکن می شود که ما بتوانیم به حوزه‌ی دیگری از معرفت که همانا «فلسفه‌ی علم سیاست» است وارد شویم. (۰/۵)	۰/۵
۱۵	فلسفه علوم طبیعی نیز، دانشهای تجربی را در مقابل خود قرار می دهد و در آنها به تعمق می پردازد تا مبادی و نقاط اتکاء آن علوم (۰/۲۵) و همچنین روشهایی را که آنها به کار می گیرند بررسی و تبیین عقلانی کند. (۰/۲۵)	۰/۵
۱۶	مابعد الطبیعه، در حقیقت، علم به احوال موجودات است از جهت وجود داشتن آنها، صرفاً از آن جهت که وجود دارند، نه از آن جهت که مثلاً وجودی کمیت دار هستند. (۰/۵) ذکر هر مسئله (۰/۲۵)	۱
۱۷	الف - نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده و یا جنبه‌ی فلسفی در آنها غلبه داشته است از یونان باستان به یادگار مانده است و به همیت جهت از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می کنند. (۰/۵) یا جائی که فلسفه در آنجا رسمیت یافت و زبان رمز و افسانه در تفسیر جهان جای خود را به زبان تعقل داد، مدارس فلسفی بنیان گذاری شد و تعلیم و تعلم فلسفه عمومیت یافت. [ب - اولاً هیچ چیز وجود ندارد، ثانیاً به فرض وجود برای انسان شناختنی نیست. (۰/۲۵) ثالثاً اگر برای انسان شناختنی باشد نمی توان آن را به دیگران تعلیم داد. (۰/۲۵)	۱
۱۸	سقراط می گفت: من تنها از چیزهایی می هراسم که به راستی می دانم زیان آورند، مانند بی اعتنائی به قانون و سرپیچی فرمان کسی که بهتر و برتر از من است، خواه خدا باشد و خواه آدمی. (۰/۵)	۰/۵
۱۹	هر کدام از موارد الف - خود آگاهی - ب - راه صحیح تفکر یا دست یافتن به معرفت را بیان کند. (۰/۲۵) توضیح آن (۰/۷۵) می باشد.	۱
۲۰	ادراک عقلانی ادراکی است که می توان ساحت آن را از هر گونه خطایی پاک کرد. به عبارت دیگر مشخصه‌ی اول در معرفت حقیقی که همان خطا ناپذیری آن است را باید با به کار بردن قوه‌ی عقل تأمین کرد. (۰/۵) از دید افلاطون در عالم طبیعت که پیوسته در حرکت و دگرگونی است نمی توان به چیز ثابت و با دوامی دست یافت و بنابراین ویژگی دوم در معرفت حقیقی یعنی تعلق داشتن به امور پایدار، در جهان محسوسات تأمین نمی شود، بلکه باید آن را در جهانی برتر از طبیعت جستجو کرد. (۰/۵)	۱
۲۱	افلاطون همه‌ی تصورات کلی از قبیل عدالت، زیبایی، نیکی و ... دارای مرجع حقیقی هستند که آن ها را باید در عالم مثل سراغ گرفت. (۰/۲۵) و تنها با یک سیر عقلانی است که می توان آنها را چنان که هستند ادراک کرد. (۰/۲۵) ذکر مثال (حسن یک انسان است - پروین یک انسان است و ...) توضیح و تطبیق آن (۰/۵)	۱
۲۲	علت در معنای نخست، آن عاملی است که با عمل خود، چیزی را به وجود می آورد. (۰/۲۵) ذکر مثال (۰/۲۵) علت در معنای دوم، آن چیزی است که جنس هر موجودی را تشکیل می دهد. (۰/۲۵) ذکر مثال (۰/۲۵)	۱
۲۳	ماده و صورت اموری نسبی هستند (۰/۲۵) یعنی چیزی ممکن است در مقایسه با یک چیز ماده و قوه باشد و در مقایسه با چیز دیگر صورت و فعلیت (۰/۵) مثلاً تخم مرغ نسبت به نطفه‌ی اولیه صورت است و نسبت به جوجه، ماده است و جوجه نسبت به تخم مرغ، صورت است و نسبت به مرغ، ماده است. (۰/۲۵) یا هر مثال صحیح دیگر (۰/۲۵) داده شود.	۱
۲۰	«خسته نباشید»	